جایگاه تأویل در روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام

منصور پهلوان*

معصومه آگاهی**

چکیده: بخش قابل توجهی از روایات تفسیری را که از امام سجاد علیه‌السلام برجای مانده، تأویل آیات و ارائهٔ مصادیق آنها تشکیل می‌دهد. این روایات نقش تعیین‌کننده‌ای در بازسازی عقاید جامعه پس از شهادت سید الشهداء علیه‌السلام دارد، در این گفتار، فزونیِ روایات تأویلی و تعیین مصادیق آیات، بر پایهٔ مخاطب و فضای صدور روایات تحلیل شده است.

نگارنده، نمونه‌هایی از موضوع‌های این روایات را بدین‌سان برمی‌شمارد: بازسازی بنیان تفکّر ولایت‌مدار، ترسیم محورهای تفکّر مهدوی، تعیین مصادیق آیات.

کلید واژه: امام سجاد علیه‌السلام / تفسیر مأثور / تأویل / مصداق / مهدویّت در قرآن / امامت در قرآن.

---

*. استاد دانشگاه تهران. ***Email : Pahlevan@ut.ac.ir***

. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. ***Email : Magahi52@gmail.com*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

طرح مسأله

روش‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که معصومان علیهم السلام در تفسیر آیات الاهی، اصول و مبانی مشترکی دارند. این نکته با در نظرگرفتن این حقیقت که ایشان در عین تعدّد، نور واحدند، دور از انتظار نیست. امّا از سوی دیگر، تفسیر هر یک از معصومان علیهم السلام، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از تفاسیر دیگر متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها بستگی تامّ و تمامی با پارامترهای زمانی، مکانی و مخاطبان معصوم علیهم السلام دارد که با ترسیم این عوامل می‌توان به تحلیل صحیحی از شاخصه‌های تفسیر معصومان علیهم السلام دست یافت.

در بررسی روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام ـ که در سایهٔ ادعیهٔ صحیفه و کتاب زهد و حقوق ایشان مهجور مانده است ـ با دو ویژگی مهم مواجه می‌شویم: نخست این که حدود نیمی از روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام را تأویل و ارائهٔ معنای باطنی آیات تشکیل می‌دهد، و دیگر این که امام علیه السلام در موارد بسیاری در تفسیر آیات، مصادیق آنها را تعیین کرده است. این نوشتار از طریق بررسی فضای صدور روایات از جهت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نوع مخاطبان امام سجاد علیه السلام به تحلیل دو ویژگی مذکور می‌پردازد.

اوضاع سیاسی دوران امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ هجری قمری، در زمان خلافت جدّش امیر مؤمنان علیه السلام چشم به جهان گشود. در این زمان، علاوه بر جنگ صفین که صورت علنی مبارزه میان علی علیه السلام و معاویه است، تنور مخالفت ها و مبارزات فرهنگی میان این دو جبهه داغ بود. پس از شهادت امام علی علیه السلام، مسلمانان به جای بیعت با حسن بن علی علیه السلام، با معاویه، به عنوان خلیفهٔ پیامبر بیعت کردند. تهدید و تطمیع‌های معاویه سبب شد که امام حسن علیه السلام تنها بماند و ناگزیر به امضای صلح‌نامه شود. پس از این قرارداد، حسنین علیهما السلام به همراه عیال و فرزندان خویش، از جمله امام سجاد علیه السلام، به مدینه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

بازگشتند. در سال‌های جوانی امام سجاد علیه‌السلام، معاویه خلیفه بود. او در دوران خلیفهٔ دوم به حکومت شام منصوب و بسیار مورد عنایت و نوازش خلیفه واقع شد. (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۳۸) معاویه از هر وسیله ای برای خاموش کردن نور آل محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و فاصله انداختن میان آنها و امّت استفاده‌کرد چنانکه از عمل به سنّت پیامبر نهی کرد و اول کسی بود که بر منابر سبّ علی علیه‌السلام نمود. او چنان بر دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام سخت گرفت که اگر به کسی لقب «زندیق» می دادند، بهتر از آن بود که او را «دوست‌دار آل محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله» بنامند (همان، ج ۲، ص ۳۴۰). در دوران معاویه سخت‌ترین فعالیت‌ها علیه اهل بیت علیهم‌السلام، شیعه، موالی و ایرانیان صورت گرفت که در نهایت به شهادت امام حسن علیه‌السلام انجامید و این شدّت و سختی، ۲۰ سال یعنی تا زمان مرگ معاویه ادامه داشت (نک: عماد زاده، ص ۶۸۹).

پس از مرگ معاویه، فرزندش یزید برتخت حکومت و خلافت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تکیه زد. یزید آشکارا معصیت می‌کرد و حکم خدا را به آسانی نادیده می‌گرفت. او بسیار تلاش کرد که از امام حسین علیه‌السلام و بنی‌هاشم برای خود بیعت بگیرد و به این ترتیب مهر تأییدی بر عملکرد سیاه خود بگذارد. امّا هنگامی که در این کار توفیقی نیافت، چاره را درکشتن فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دید. وی در دوران کوتاه حکومت خویش که سه سال و اندی به طول انجامید، سه برنامهٔ اصلی را اجرا کرد که هر یک از آنها در تاریخ اسلام بی‌نظیر است: سال اوّل شهادت سید الشهداء علیه‌السلام و خاندان و یاران او؛ در سال دوم، قتل عام مردم مدینه و مباح شمردن خون، مال و ناموس مسلمانان بر لشکریانش (الدمشقی، ج ۸، صص ۲۴۱ـ۲۴۲)، و در سال سوم، حمله به بیت الله الحرام و به منجنیق بستن حرم امن الاهی (همان، ج ۶، ص ۲۴۲). یزید اندکی پس از این هتک حرمت، به هلاکت رسید و فرزندش معاویةبن یزید بر جای او نشست. معاویه از حکومت و خلافت کراهت داشت. لذا به محض رسیدن به خلافت در جمع مسئولین حکومتی خطبه‌ای خواند؛ بیعت خویش را ازگردن مردم برداشت و تعیین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

خلیفه را به مردم سپرد (نک: شریف قرشی،۲، ۳۴۴). پس از کناره‌گیری معاویه دوم از خلافت، سران حکومت به سرعت با مروان‌بن حکم به عنوان اوّلین خلیفهٔ مروانی بیعت کردند (نک: شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۷). در ایّام حکومت مروان، لعن امیرالمؤمنین بر منابر علنی شد. وقتی که امام زین العابدین علیه‌السلام از او پرسید: «چرا بر منابر سبّ علی می کنید؟»، مروان گفت: «زیرا کار ما جز به این صورت سامان نمی‌یابد.» (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۸) پس از مروان، عبدالملک که از جبّاران بنی‌امیّه بود، بر تخت نشست. وی کتاب خدا را در دست گرفت و گفت: «**هذا فراق بینی و بینک.**» (ابن کثیر، ج ۹، ص ۷۷)

پس از عبدالملک فرزند او ولید که فردی جبار و ستمگر بود و به سنت اموی عمل می‌کرد، به خلافت رسید. او آخرین خلیفهٔ اموی معاصر امام سجاد علیه‌السلام، و دشمن‌ترین افراد به امام بود؛ به گونه‌ای که اعتراف کرد ملک و سلطنتش با وجود امام علیه‌السلام کامل نمی شود (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۶۳). به این ترتیب خشونت، ظلم و جور مشخصهٔ اصلی حکومت اموی بود؛ آن‌چنان که انتقال قدرت از خلیفه‌ای به خلیفهٔ دیگر، هرگز فشار بر اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان یا محبّان آنها را کاهش نمی داد.

اوضاع فرهنگی ـ اجتماعی جامعهٔ اسلامی در عصر امام سجاد علیه‌السلام

طبیعت حکومت اموی، استبداد و جبروت حکّام و ملوک آن بود. در دوران امویان، قواعد عدل سیاسی و اجتماعی زیر پاگذاشته شد؛ آزادی اجتماعی از میان رفت و قوانین اسلام لگدمال شد؛ ظلم و ستم فراگیر، و سیاست تفرقه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان در پیش گرفته شد (شریف قرشی، ج ۲، صص ۳۷۲ـ۳۷۵)

بنی‌امیّه سه مرتبه مدینه را غارت کرده، اموال مسلمانان را مباح کردند. به دلیل وقوع این جنگ‌های داخلی از یک طرف، و رفاه‌زدگی و تجمّل‌پرستی خلفا از سوی دیگر، وضع اقتصادی مردم مدینه بسیار نامناسب بود.

در این دوران مردم به جاهلیت و اعقاب خود بازگشتند. شهر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ مدینة

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

النبی ـ به مرکزی برای لهو و لعب تبدیل شد، آن‌چنانکه آوازه‌خوانی، رقاصی، مجالس مختلط زن و مرد، مجلس شراب و مراکز آموزش غنا رواج پیدا کرد (نک: شریف قرشی، ج ۲، صص ۴۰۷ـ۴۱۲). شعر در این زمان قبیله‌ای است؛ موضوع اصلی آن شجاعت، زیادی مال و نفر و هر آن چیزی است که به آن افتخار می‌کردند و واژه‌ای در قاموس سبّ و شتم نماند مگر آن که به نظم درآمد. در حقیقت، جاهلیّت اوّلی که اسلام با آن مبارزه کرده بود، در ایّام حکومت اموی تمام چهره، رخ نمود (نک: شریف قرشی، ج ۲، صص ۴۱۵ـ۴۱۷). گرچه مدینه، «دارالسّنه» نام گرفته بود، مردم در این زمان بیشتر متأثر از ارزش‌های خلافت بودند تا سنت پیامبرﷺ و امامان شیعه‌علیهم‌السلام. پس از واقعهٔ حرّه چنان حقارتی بر مردم مدینه تحمیل کردند که ناچار شدند به عنوان «بردهٔ یزید» با فرماندهٔ نظامی او بیعت کنند (ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۵۹). مسجد النبیﷺ که روزی پایگاه پیامبرﷺ و مقرّ حکومت ایشان بود، به محلّی برای چهارپایان تبدیل شده بود؛ ستوران را به ستون‌های مسجد می‌بستند و چنان‌چه کسی قصد زیارت مزار پیامبرﷺ را داشت، او را با خنجر منع و تهدید می‌کردند (مجلسی، ص ۱۱ ؛ عمادزاده، ص ۷۵۳).

موقعیّت امام سجادعلیه‌السلام در مدینه

علی‌رغم شرایط نامساعد و اوضاع نابسامانی که در مدینه وجود داشت، امام سجادعلیه‌السلام، در سراسر حیات خویش، در مدینه ماند و جز برای حجّ و زیارت از آن خارج نشد. مورخان گزارش کرده‌اند که ایشان برای زیارت مزار جدّش، علی‌بن ابی‌طالبعلیه‌السلام، به عراق سفر کرد و مسلّم است که مزار سید الشهداءعلیه‌السلام را نیز زیارت کرده است (شریف قرشی، ج ۱، ص ۱۸۶)، امّا اقامت‌گاه ایشان تا پایان عمر مبارکشان، شهر رسول خداﷺ و مضجع شریف اوست.

دوران حیات امام سجادعلیه‌السلام آکنده از سختی، مرارت و تنهایی است. طبق گزارش فضل‌بن شاذان پس از واقعهٔ کربلا، تنها پنج نفر پیرامون امامعلیه‌السلام باقی ماندند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

ابوخالد کابلی، یحیی بن ام الطویل، جبیربن مطعم، سعیدبن جبیر و سعیدبن مسیّب (طوسی، اختیار، ج ۱، ص ۳۳۲). سیاست منع نقل حدیث که از زمان خلفا آغاز شده بود، در زمان امام علیه‌السلام با شدت بیشتری ادامه یافت. جعل حدیث نیز که به دستور معاویه و در قالب پخش نامه‌های مکرّر وی به استاندارانش، به عنوان یک سیاست خصمانهٔ فرهنگی پی‌ریزی و پس از آن دنبال شده بود (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، صص ۴۴ـ۴۶)، ضربهٔ دیگری بر پیکرهٔ حدیث، و مانعی بر سر راه ارتباط امام علیه‌السلام با مردم و انتقال معارف دین و قرآن به ایشان بود. اجرای سیاست منع حدیث و جعل آن باعث شد بسیاری از روایات نبوی، خاصّه آنها که در مورد فضایل اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده بود، از مدار نقل خارج شده یا به فراموشی سپرده شود (ابو ریّه، ص ۵۵).

در این زمان، شرایط مناسبی برای تعامل امام علیه‌السلام با مردم وجود نداشت. انهدام و تخریب شأن و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام که از لحظهٔ رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز شده و در طول دوران امیر المؤمنین علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام ادامه یافته بود، با قتل سیدالشهداء علیه‌السلام به اوج خود رسید. دعاهای امام سجاد علیه‌السلام که بیشترین حجم روایات ایشان را تشکیل می‌دهد، نشانگر غربت امام سجاد علیه‌السلام و عدم حضور مخاطبی است که از دریای بی‌کران علم و معرفت الاهی ایشان بهره گیرد. به دلیل همین تنهایی است که حضرت در دوران پر حزن و اندوه حیات خویش سیاست سکوت را در برابر امویان در پیش گرفتند. امام سجاد علیه‌السلام هیچ یک از حرکت‌های سیاسی معاصر خویش را تأیید نکردند؛ حتّی نهضت‌هایی که ظاهراً به خون‌خواهی سید الشهداء علیه‌السلام آغاز شده بود، از جانب ایشان مشروعیّت نیافت. امام علیه‌السلام با درک صحیح شرایط عصر خویش که بر پایهٔ علم الاهی ایشان استوار بود، به خوبی از ناکارآمدی روش مبارزهٔ فیزیکی آگاه بودند. لذا نه خود به این کار مبادرت کرد و نه به کسانی که خواستار تجویز چنین تحرکاتی بودند، اجازهٔ آن را داد. از رویارویی و گفت وگوی امام سجاد علیه‌السلام با خلفا و حکّام عصر خویش، جز دو خطبه‌ای که در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

مسجد کوفه و مجلس یزید ایراد شده، گزارشی در دست نیست (نک: طبری، ج ۴، ص ۳۵۵؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۱۱). پس از ماجرای انهدام کعبه نیز، واکنش امام سجاد علیه‌السلام اقدام به تعمیر و مرمّت کعبه و نصب حجر الاسود است (ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مسعودی، ج ۲، ص ۷۴). متقابلاً خلفای اموی، از یزید تا ولیدبن مروان، همه، در ظاهر ایشان را احترام کرده، از فرامین تهدید و تعذیب مردم مستثنی می‌کردند (عمادزاده، ص ۷۳۶).

جایگاه امام سجاد علیه‌السلام در تفسیر قرآن

به طور کلّی روایات تفسیری رسیده از امام سجاد علیه‌السلام از دو جنبهٔ کمّی و کیفی قابل بررسی است. از لحاظ کمّی، حدوداً دویست و پنجاه روایت تفسیری از منابع گوناگون روایی و تفسیری، اعمّ از شیعه و اهل سنّت، استخراج شده است. این روایات به لحاظ محتوایی، برخی موضوعات علوم قرآنی نظیر اسباب نزول، فضیلت برخی آیات و سور و قراءات را در بر می‌گیرد.

قسمت عمدهٔ این روایات، به تفسیر آیات قرآن اختصاص دارد. یعنی امام سجاد علیه‌السلام به طرق گوناگون به تبیین مراد خداوند از آیات پرداخته‌اند؛ همان وظیفه‌ای که براساس قرآن، بر عهدهٔ پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و جانشینان او نهاده شده است.

آن‌چه در میان حجم به ظاهر اندک روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام رخ می‌نماید، اهتمام ویژهٔ حضرت به بیان مصادیق و تأویل آیات است. امام سجاد علیه‌السلام در خلال این تأویلات و مصادیق سعی در ترسیم جایگاه و تبیین شأن و فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام دارند. اگر با دیدهٔ تحلیل به این مسأله بنگریم، و فضای خاصّ سیاسی و اجتماعی دوران حیات امام سجاد علیه‌السلام را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که امام علیه‌السلام در مقام معماری است که موقعیت اهل بیت علیهم‌السلام را که از لحظهٔ رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در معرض تهدید و تخریب واقع شده و با شهادت سید الشهداء علیه‌السلام به طور کلّی منهدم شده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

بود، بازسازی و ترمیم می کند. اهمّیت این مطلب تا به آنجاست که اگر نقش امام سجاد علیه‌السلام را در این بازسازی حذف کنیم، حضور دو امام بعدی علیهماالسلام ـ و حتی امامان پس از ایشان علیهم‌السلام ـ را به عنوان محلّ مراجعه و ملجأ مسلمانان به خصوص شیعیان از دست خواهیم داد و این به معنای از دست دادن بخش عظیمی از معارف و آموزه‌های دینی است که از طریق این بزرگان به جامعهٔ انسانی و مسلمانان ارائه شده است. به عبارت دیگر اگر مردم به هر دلیلی به شأن و مقام امام علیه‌السلام در تبیین کتاب‌الله و تربیت نفوس جاهل باشند، حتی با فرض حضور امام علیه‌السلام و وجود فضای مناسب برای اقتباس از نور علم و دانش او، این مراجعه و تعامل صورت نخواهد گرفت. لذا در حقیقت می توان گفت تمامی تفاسیری که پس از امام سجاد علیه‌السلام به واسطهٔ مراجعهٔ مردم به اهل بیت علیهم‌السلام و خوشه‌چینی از محضر ایشان بر جای مانده و به ما رسیده است، و حتی تأیید و تثبیت موقعیت ائمهٔ پیشین علیهم‌السلام جهت انتفاع از تعالیم الاهی ایشان، همگی مرهون علم، حلم و جهد امام سجاد علیه‌السلام در انجام این امر خطیر است.

روایات تأویلی امام سجاد علیه‌السلام

تقریباً نیمی از روایات تفسیری امام سجاد علیه‌السلام را تأویل و ارائهٔ مصادیق آیات تشکیل می دهد. غالب این روایات به تبیین شأن و منزلت اهل بیت علیهم‌السلام، فضیلت ایشان بر سایرین، موقعیت دوست‌داران ایشان و معرفی دشمنانشان پرداخته است. اگر چه برخی نیز به بازسازی چارچوب اعتقادی شیعه در زمینه‌های آخر الزمان، مهدویت و رجعت اختصاص یافته است. نمونه‌هایی از این روایات به تفکیک موضوع عبارتند از:

۱. بازسازی بنیان تفکر ولایت مدار

از آن جا که دوران امام سجاد علیه‌السلام از جهت بازگشت مردم به مبانی جاهلیت و فاصله گرفتن از امام علیه‌السلام تا به آنجا که به خانه‌نشینی ایشان انجامید، بسیار شبیه دوران

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

امام علی علیه‌السلام است، رویکردهای ایشان به موضوع «ولایت»، «تولّی» و «تبرّی» بسیار همانند است. همان سببی که امام علی علیه‌السلام را وا می دارد شؤون علم و تقوای خود را بستاید و در میدان فضیلت‌ها داد مبارز طلبی سر دهد، امام سجاد علیه‌السلام را نیز در جایگاهی قرار می دهد که فضایل پدرانش و امتیازات ذریّه‌اش علیهم‌السلام را در قالب تبیین آیات قرآن بیان کند.

۱ـ۱ـ تبیین جایگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام

مهم‌ترین رکنی که امام سجاد علیه‌السلام سعی در تحکیم آن دارد جایگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مقام ولایت است. به طور نمونه امام علیه‌السلام در تفسیر «ادخلوا فی السِّلم کافّه» می‌فرماید: «سلم و سلامت همانا ولایت امیر المؤمنین است» (بحرانی، ج ۱، ص ۱۲۹). ایشان مراد از شجرهٔ مبارکه در «**کانّها کوکبٌ درّیٌّ یوقد من شجرهٍ مبارکهٍ**» و نخستین مصداق «**و مِن النّاسِ مَن یَشری نفسَه ابتغاءِ مَرضاتِ اللّه**» را علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام می داند (نک: حسینی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ الکوفی، ص ۱۲۴؛ اصفهانی، ص ۲۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ص ۳۳۹).

گاهی نیز امام علیه‌السلام، تفسیر خویش را به گفتار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مستند می‌کند تا زمینهٔ بهتری برای پذیرش مخاطب ایجاد کند. به طور مثال زمانی که از ایشان معنای «**اَن تقول نفسٌ یا حسرتَی علَی ما فرّطتُ فی جنب الله...**» را پرسیدند حضرت فرمود: «جنب الله تنها علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است و او حجت خدا بر خلق است. هنگامی که روز قیامت شود، خداوند به نگهبانان جهنم امر می‌کند که کلیدهای آن را به علی علیه‌السلام بسپارند. پس هر که را بخواهد داخل [دوزخ]کند و هر که را بخواهد نجات دهد؛ همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «ای علی هر کس تو را دوست دارد مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. ای علی تو برادر منی و من برادر تو هستم...» (الکوفی، فرات، ص ۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

۱ـ۲ـ تبیین جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام

محور بعدی تأویلات امام سجاد علیه‌السلام را ترسیم جایگاه بی‌مانند اهل بیت علیهم‌السلام در میان سایر فرزندان آدم علیه‌السلام تشکیل می‌دهد. ایشان در تفسیر **«اهدنا الصراط المستقیم»** می‌فرماید: *«ماییم ابواب الاهی و ماییم راه استوار.»* (مجلسی، ج ۲۴، ص ۱۲). یعنی آن صراط مستقیمی که در هر نماز از خداوند هدایت به سوی آن را طلب می‌کنید پیروی از ماست، بدون آن که یکی بر دیگری رجحانی داشته باشد؛ چرا که ما به منزلهٔ درهایی هستیم که از هر یک وارد شوی، به تنها مسیر هدایت منتهی می‌شود. هم‌چنین در بیان معنای **«و ألقی فی الارض رَواسی أن تَمید بکم...»** می‌فرماید: *«وجود ماست که زمین را از آن که اهلش را بلرزاند نگاه می‌دارد.»* (ابن بابویه، کمال، ج ۱، ص ۲۰۷)

امام سجاد علیه‌السلام در قالب بیان معنای **«فاسألوا اهل الذکر»** به طرح و ترسیم یک منشور تربیتی می‌پردازد که همواره نشانگر جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و وظیفهٔ شیعیان در برابر ایشان است: *«بر عهدهٔ امامان علیهم‌السلام چیزی است که بر شیعیان ایشان نیست و بر عهدهٔ شیعیان ما چیزی است که بر ما نیست. خداوند عزّوجلّ به آنها امر کرده که از ما سؤال کنند:* **«فاسألوا اهل الذّکر»**؛ *پس به آنها امر کرده که از ما بپرسند، ولی بر ما واجب نیست که پاسخ گوییم؛ اگر بخواهیم پاسخ می‌دهیم و اگر بخواهیم خودداری می‌کنیم.»* (کلینی، ج ۱، ص ۱۶۵)

۱ـ۳ـ جایگاه تولّی و تبرّی

امام سجاد علیه‌السلام در قالب تأویل آیات قرآن، اهمیّت دو رکن اساسی دین، یعنی «تولّی و تبرّی» را خاطر نشان می‌کند. از جمله این که در تفسیر فراز پایانی آیهٔ نور **«یهدی الله لنوره من یشاء»** می‌فرماید: *«خداوند آن کس را که دوست می‌دارد، به ولایت ما اهل بیت علیهم‌السلام رهنمون می‌شود.»* (حسینی، ج ۱، ص ۳۶۰) و نیز در آیهٔ **«قال و من کفر فأُمتّعه قلیلاً ...»** هر کس را از امّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که وصیّ او را منکر شود و پیرویش نکند، مشمول معنای آیه می‌داند. (نک: عیاشی، ج ۱، ص ۵۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

۲. ترسیم محورهای تفکر آخر الزمانی

بخش معنادار دیگری از روایات تأویلی امام سجاد علیه‌السلام، به ترسیم چشم‌انداز نهایی دنیا اختصاص دارد. می‌توان روایات این بخش را در سه محور دسته‌بندی کرد:

۲ـ۱ـ مهدویّت و ظهور

موضوع مهدویت و زمینه سازی برای درک و پذیرش ظهور، امری است که اهل بیت علیهم‌السلام همگی به آن پرداخته‌اند. امّا راهکار امام سجاد علیه‌السلام در مستند ساختن مهدویّت به آیات قرآن، از ویژگی‌های ایشان است و صادقین علیهما‌السلام و ائمّهٔ متأخّر، این روایات را مکرّر از قول ایشان نقل کرده‌اند. از جملهٔ این روایات، تفسیر «**فوربّ السّماء و الارض اِنّه لحقٌّ...**» است. امام علیه‌السلام حقّ قطعی را در این آیه به قیام قائم علیه‌السلام تفسیر می‌کند (نک: قمی، ج ۲، ص ۳۳). هم‌چنین در بیان «**أینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً**» می‌فرماید: «*ایشان اصحاب قائم* علیه‌السلام *هستند.*» (طوسی، الغیبه، ص ۳۱۳)

۲ـ۲ـ حکومت صالحان

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تربیت انسان‌های صالح، ترسیم چشم‌انداز امید آفرینِ فرجامِ کار صالحان در آخرالزمان است. نقش و اهمیّت این اهرم تربیتی در دوران سراسر ظلم و خفقان حکومت اموی که به گواهی تاریخ، سیاه‌ترین دوران‌هاست، بیشتر نمایان می‌شود. امام سجاد علیه‌السلام که مربّی انسانهاست در قالب تبیین آیات قرآن به این مهم نیز پرداخته است. از برجسته‌ترین این آیات آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور است. امام علیه‌السلام ذیل این آیه می‌فرماید: «*به خدا سوگند آنها شیعیان ما اهل بیت هستند. این امر به دست مردی از ما برای آنها رخ می‌دهد و او مهدی این امت است و او کسی است که رسول خدا* صلی‌الله‌علیه‌وآله *درباره‌اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن را تا جایی طولانی می‌کند که مردی از خاندان من که هم نام من است ظاهر شود و جهان را از عدل و داد پر کند؛ آن‌چنان که از ظلم و جور پر شده است.*» (طبرسی، جوامع، ج ۳، صص ۱۱۷ـ۱۱۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

۲ـ۳ـ رجعت

رجعت یکی از اصول تفکّر شیعیان اثنی‌عشری است که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده است. امام سجاد علیه‌السلام تأویل رجعت را در کتاب خداوند طرح و بیان فرموده است؛ چنانکه آیهٔ **«انّ الّذی فرض علیک القرآن لَرادّک الی معاد»** در تفسیر امام علیه‌السلام، در مورد رجعت بیان شده است (نک: قمی، ج ۲، ص ۱۴۷). حضرت در روایت دیگری نیز می‌فرماید: *«یعنی پیامبرتان و امیر مؤمنان و امامان علیهم‌السلام به سوی شما بازمی‌گردند.»* (قمی، ج ۲، ص ۱۴۷؛ مجلسی، ج ۵۳، ص ۴۶)

تعیین مصادیق آیات

یکی دیگر از ویژگی‌های تفسیر امام سجاد علیه‌السلام تعیین و ارائهٔ مصادیق آیات است. بیشتر این مصداق‌ها به معرفی اهل بیت علیهم‌السلام، دوستان و دشمنان ایشان اختصاص دارد.

امام سجاد علیه‌السلام در تفسیر **«انّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت...»** روایتی از امّ سلمه نقل می‌کند که: *«این آیه در خانهٔ من نازل شد... سپس جبرئیل گفت: «ای محمّد بخوان «انّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت»؛ این آیه دربارهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام بود.»* (طوسی، الامالی، ص ۳۶۸) به این ترتیب اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها سبب نزول آیه، بلکه مصادیق منحصر به فرد آن هستند.

امام سجاد علیه‌السلام در فرصت‌های مناسب به بازگویی روایات معصومان قبل از خود پرداخته و با تکرار آنها بر اهمّیت فرمایشات ایشان تأکید می‌کند. از جمله در تفسیر آیهٔ مباهله، روایتی به این مضمون از امام حسن علیه‌السلام نقل می‌کند: *«خداوند تعالی هنگامی که منکران کتاب، محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را انکار و با او محاجّه کردند فرمود:* **«فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم...»**؛ *سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از نفس‌ها پدرم، از پسران من و برادرم و از زنان فاطمه مادرم را، از میان همهٔ مردم، همراه خود کرد؛ پس ما خاندان او، گوشتش، خونش و جانش هستیم، ما از اوییم و او از ماست.»* (طوسی، الامالی، ص ۵۶۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

امام سجاد(ع) در روایت دیگری به نقل از امام حسن(ع) می‌فرماید: «*خداوند در کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاده، فرموده است:* **«أفمن کان علی بیّنه من ربّه و یتلوه شاهد منه»**، *پس رسول خدا کسی است که دلیل آشکاری از پروردگارش دارد و پدرم آن کسی است که تابع و گواه اوست.*» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۲)

گاهی نیز امام(ع) در قالب تفسیر آیات، مصادیق دوستان و دشمنان اهل بیت(ع) را معرّفی کرده‌اند. به عنوان مثال، در تبیین آیهٔ **«اِلّا مَن رَحِم ربّک و لِذلک خلقهم»** می‌فرماید: «*ایشان اولیاء ما از میان مؤمنان هستند.*» (عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۴) به عبارت دیگر امام(ع) کسانی را که پذیرای ولایت اهل بیت(ع) هستند، مصداق آیهٔ فوق و بهره‌مند از رحمت حق می‌داند. هم‌چنین هنگامی که آیهٔ **«ولا ینفعکم نُصحی اِن أردت أن أنصح لکم...»** را تفسیر می‌کند، می‌فرماید: «*این آیه در مورد پدرش* [*پدر ابن‌عباس*] *است.*» (قمی، ۲، ۲۳) و در جایی دیگر در تفسیر **«ومن کان فی هذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً»** او را مصداق آیه می‌داند. (قمی، ۲، ۲۳)

نتیجه

۱. وجود حجم قابل ملاحظهٔ بیان تأویل، در روایات تفسیری امام سجاد(ع)، مهم‌ترین ویژگی تفسیر ایشان است که احیاء عقاید شیعی و بازسازی منزلت و جایگاه اهل بیت(ع) وامدار آن است.

۲. بیان مصادیق آیات، راهکار عملی امام سجاد(ع) برای معرفی دوستان و دشمنان اهل بیت(ع) و نشان دادن ویژگی‌های آنان است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی‌الحدید، عزّالدین. **شرح نهج البلاغه.** تصحیح: محمّد ابوالفضل ابراهیم. دار الاحیاء الکتب العربیه، بیروت: ۱۳۷۸ق.

۲. ابن اثیر، عزّالدین. **الکامل فی التاریخ.** دار صادر. بیروت: ۱۳۸۵ق.

۳. ابن‌بابویه، محمّدبن علی (صدوق). **الخصال.**، منشورات الاسلامیه. قم: ۱۳۶۲ ش.

۴. ــــــــــــ. **کمال‌الدین و تمام‌النعمة.** مؤسسه النشر الاسلامی. قم: ۱۴۰۵ق.

۵. ابو ریه، محمود. **أضواء علی السّنه المحمّدیه.** مؤسسه منشورات الاعلمی للمطبوعات، بیروت: بی‌تا.

۶. اصفهانی، عمادالدین حسین (عمادزاده). **زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام.** مکتب قرآن، تهران: ۱۳۴۸.

۷. اصفهانی، احمدبن موسی (ابن مردویه). **مناقب علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام و ما نزل فی القرآن فی علی علیه‌السلام.** دار الحدیث، قم علیهم‌السلام ۱۴۲۲ق.

۸. بحرانی، سید هاشم. **البرهان فی تفسیر القرآن.** بنیاد بعثت، تهران: ۱۴۱۶.

۹. حسینی، شرف‌الدین علی. **تأویل آیات الظاهره فی فضایل العتره الطاهره.** مدرسه الامام الموسوی، قم: ۱۴۰۷ ق.

۱۰. الدمشقی، اسماعیل‌بن کثیر (ابن کثیر). **البدایه و النهایه.** دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ق.

۱۱. سیوطی، جلال‌الدین. **تاریخ الخلفاء.** بی‌نا، بی جا، بی تا.

۱۲. شریف قرشی، باقر. **حیاة الامام زین العابدین علیه‌السلام.** دار الاضواء، بیروت: ۱۴۰۹ق.

۱۳. طبرسی، فضل‌بن حسن. **جوامع الجامع.** انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۷ش.

۱۴. طبری، محمّدبن جریر. **تاریخ الطبری.** بریل، لیدن: ۱۸۷۹م.

۱۵. طوسی، محمّدبن حسن. **الامالی.** دار الثقافه، قم: ۱۴۱۴ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]

۱۶. ـــــــــــــ. **الفهرست.** نشر الفقاهه، بی‌جا. ۱۴۱۷ق.

۱۷. ـــــــــــــ. **الغیبه.** مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم: ۱۴۱۱ق.

۱۸. ـــــــــــــ. **اختیار معرفة الرجال (رجال کشّی).**، مؤسسهٔ آل البیت، قم: ۱۴۰۴ق.

۱۹. عیاشی، محمّدبن مسعود. **کتاب التفسیر.** انتشارات علمیه، تهران: ۱۳۸۰ ق.

۲۰. القمی، علی‌بن ابراهیم. **تفسیر القمی.** دار الکتاب، قم: ۱۳۶۷ش.

۲۱. الکلینی، محمّدبن یعقوب. **الکافی.** دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۳.

۲۲. الکوفی، فرات‌بن ابراهیم. **تفسیر الفرات.** سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۰ق.

۲۳. الکوفی، محمّدبن سلیمان. **مناقب الامام أمیر المؤمنین علی‌بن ابی‌طالب**علیه‌السلام. مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم: ۱۴۱۲ق.

۲۴. مازندرانی، محمّدبن علی (ابن شهرآشوب)، **مناقب آل ابی‌طالب.** مطبعه الحیدریه نجف، ۱۳۷۶ق.

۲۵. ـــــــــــــ. **معالم العلماء.** مطبعه الحیدریه، نجف: ۱۳۸۰ق.

۲۶. مجلسی، محمّدباقر. **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار.** موسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۳ق.

۲۷. مسعودی، ابوالحسن. مروج الذهب و معادن الجوهر. دار المعرفه، بیروت: ۱۳۶۸.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.27.6.5]